



برنامه موفق تلویزیونی، برنامه‌ای است که حتی مخالفان خود را هم به زمین بازی بکشاند و آنان را خود آگاه یا ناخود آگاه قانع کند که در بستر دلخواه او سوال پرسند حتی اگر جوابی برایشان نداشته باشد. بر این اساس زندگی پس از زندگی یک تجربه جدید برای برنامه‌های گفت و گو محور تلویزیون محسوب می شود

جنس تجربه نگاری های روان شناسان و روانپزشکان است که می شود به واکاوی دریافت های تجربه گران نزدیک شد بدون آن که ادعا داشت نظر قطعی همین است و جز این نیست. رویکرد پوزیتیویستی علوم تجربی دست کم در این یک مورد هم برای برنامه تلویزیونی جذابیت ساز است و هم می تواند موید علوم وارده ما در قرآن کریم و روایات باشد. چنان که در هر قسمت از برنامه نیز هر دوی این وجوه، یکی از طریق ارتباط مجازی با پژوهشگران سایر نقاط جهان و دیگری از مسیر دعوت از کارشناسان مذهبی مورد توجه قرار گرفته است.

مرگ واقعا چه شکلی است؟

آیا همه انسان ها، مرگ را به همین صورتی تجربه خواهند کرد که در صحبت های تجربه گران این برنامه گفته می شود؟ اصلا اگر این طور هم باشد باز چیز قابل اثباتی هرگز دست ما را خواهد گرفت؟ چطور می شود مطمئن بود دیگرانی باشند که تجربیاتی خلاف این موارد را مشاهده کرده اما هیچ وقت سخنی درباره شان نگفته باشند؟ اصلا دانستن این تجربه ها چه فایده ای برای مخاطبان دارد؟ آیا امکان شهادی و خرافه سازی در این دست موضوعات وجود ندارد؟ همه این سوالات و بسیاری از سوالات دیگر، موید موفقیت برنامه است. اساسا برنامه موفق تلویزیونی، برنامه ای است که حتی مخالفین خود را هم به زمین بازی بکشاند و آنان را خود آگاه یا ناخود آگاه قانع کند که در بستر دلخواه او سوال پرسند حتی اگر جوابی برایشان نداشته باشد. بر این اساس زندگی پس از زندگی یک تجربه جدید برای برنامه های گفت و گو محور تلویزیون محسوب می شود. لاقلا برای شبکه چهار که حتما همین طور است.

نسبت اسلام و رسانه با آن دنیا

بشر به اندیشیدن درباره مرگ نیاز مبرم دارد و تا همین حالا زیادی در این کار تاخیر کرده است. اگر به تغییر زندگی همین تجربه گرانی که در برنامه حاضر شده اند هم نگاه کنیم در خواهیم یافت که مرگ، آنچنان سترگ بر انسان تاثیر می گذارد که قادر است تمام زندگی باز یافته پس از خود را برای شخص تجربه گر تحت تاثیر قرار دهد. مرگ، خشونت ها را به مهربانی بدل می کند، قلدرها را سربه زیر و بی تفاوتی نسبت به جهان را بدل به مسؤولیت پذیری و دغدغه مندی می کند. مرگ می تواند از یک بد اخلاق، یک انسان سالم بسازد و پر خاشکری ها را درمان کند و انسان را نسبت به محیط زیست و طبیعت، حساس و مهربان نماید. اندیشیدن به مرگ، برای بشر و کره زمین خوب است و این سکولارترین شکلی است که با هم برای همه سودمند است. آیا با صحبت کردن درباره مرگ به این شکل به دام سکولاریته خواهیم افتاد؟ خوب، این از آن دست پرسش هایی است که باید نگران جواب هایش بود اما چتر گفتمانی هم همیشه بر سر این دست موضوعات سایه می اندازد. همان قدر که مشاهدات تجربه گران برنامه زندگی پس از زندگی مملو از عناصر دینی است به همان اندازه هم دریافت مخاطب برنامه از این گفت و گوها می تواند دینی باشد. به هر حال مرگ و زندگی پس از آن موضوعی است که بخش بزرگی از کتاب مقدس دین اسلام را به خود اختصاص داده و نمی شود با بایکوت کردنش، حق آن را بجا آورد. باید بگردیم و بهترین راه را برای صحبت درباره مرگ پیدا کنیم، چون حتی اگر نظر به همان فواید مادی در سطح سکولار داستان هم نداشته باشیم، خداوند از ما خواسته تا مرگ را جدی بگیریم و یاد آن را مایه اصلاح اخلاق و رفتار خود در قبال خداوند، سایر مردم و جهان خلقت قرار دهیم.

باید از برنامه مراقبت کرد

موفقیت نه تنها نقطه پایان برنامه نیست بلکه تازه آغاز ماجراست. اولاً حراست از حیثیت برنامه در چنین موضوعاتی و جلوگیری از توابع اجتماعی آن می تواند مساله ای مهم باشد و بر اعتماد و انگیزه های مخاطبان اثرات اجتناب ناپذیری بگذارد. بنابراین در اولین گام حفظ موفقیت را باید مهم ترین عامل پایداری آن دانست. ثانیاً توسعه دادن موفقیت، محصول بازشناسی موضوع و به روز نگه داشتن آن است. این اتفاق هم طبعاً اگر مورد توجه برنامه سازان قرار گیرد، خود را ناگزیر در وله ها و جزئیات دیگر برنامه نشان خواهد داد. زندگی پس از زندگی، موفقیتی نیازمند حراست و توسعه است.



نگاهی به عوامل موفقیت برنامه «زندگی پس از زندگی»

بازگشت به آینده

درباره این که چرا برنامه «زندگی پس از زندگی» توانست به فصل دوم برسد و رکوردهای بسیاری را در جلب مخاطب در برنامه های غیرنمایشی جابه جا کند، خیلی می شود حرف زد اما نویسنده این سطور علاقه دارد موضوع را از بی ربط ترین اما مؤثرترین بخش پنهان ماجرا آغاز کند. از آنجا که برنامه هایی که سؤال پرسند و به دنبال جواب بگردند، کم داریم! البته تاحدی می شود حق داد چون فقط ظاهر این اتفاق ساده است اما واقعیت این است که مهم ترین بخش کار رسانه ای، سؤال خوب پرسیدن و سؤال خوب را درست پرسیدن است. نمی دانم دقیقاً از کی مبتلا شدیم به این بیماری که فکر کردیم رسانه ملی مدام باید به همه چیز جواب بدهد و هیچ وقت نخواهد که خود را در کنار ذهن پرسشگر یک مخاطب بگذارد و همراه او بپرسد و همگام با او، مسیر رسیدن به جواب را طی کند اما به هر حال این ابتلا، اتفاق افتاده و ما را از هدف دور کرده است. هدف این نوشته آسیب شناسی این ابتلا نیست بلکه قرار است توجه بدهد که برنامه زندگی پس از زندگی پس از مدت ها خیلی ناخود آگاه با موضوعی آغاز به کار کرده که این معضل را تا حدود قابل قبولی از سر راه برداشته است.

فاطمه ترکاشوند
خبرنگار

رمز و رازهای مرگ

ماسال هاست مرگ را بایکوت کرده بودیم. چرا؟ اصلا حتی معلوم هم نیست چون حتی اگر از کنج کاوی های انسانی درباره آن هم بگذریم باز قاعدتاً باورهای مهم دینی ما باید باعث شود به این موضوع بپردازیم اما در کمال ناباوری واقعا مرگ را بایکوت کرده بودیم شاید چون نمی دانستیم چطور باید درباره این حقیقت سترگ حرف زد. بنابراین نمی شود درباره علت موفقیت برنامه ای با موضوع مرگ، جست و جو کرد و به آن فکر نکرد. فقط ایده، گاهی همه عامل موفقیت یک برنامه تلویزیونی می شود اما حداقلش این است که اگر برنامه ای موفق باشد، بی تردید سهم بزرگی از آن را باید در ایده اش پیدا کرد. از یک سو، شکستن این سکوت بی علت از حیث رسانه ای عامل موفقیت زندگی پس از زندگی بوده و از حیث محتوایی هم این برنامه سرخ مساله ای رفته است که بی برو برگرد برای تک تک انسان ها کنج کاوی برانگیز و پرسش ساز است. زندگی پس از زندگی روی نقطه ای دست می گذارد که هر مخاطبی حتی اگر متنفر یا بسیار وحشت زده باشد از این که به آن فکر کند، باز هم مجبور است گهگاهی در ضمیر خودش به دنبال مرگ و مابعد آن بگردد.

پرداخت خوب برای ایده خوب

ایده اغلب کافی نیست. خیلی بستگی دارد به این که مساله محوری برنامه چطور طرح می شود و از چه منظری، مخاطب را دعوت می کند تا درباره اش ببیندیشد. آیا زندگی پس از زندگی در این بخش هم موفق بوده است؟ اینجا می توانیم با هم مخالف باشیم به جز این که واقعا یک حداقلی برای توافق وجود دارد. به طور بالقوه، برنامه ای درباره مرگ در تلویزیون می تواند از منظرهای گوناگونی به ثمر برسد؛ می شد یک برنامه گفت و گو محور از جنس مرسوم باشد که کارشناسی در آن به بیان نظرات و روایات درباره مرگ بپردازد، یا می شد مستندهایی درباره

